

# بازیگوشی های افشین

مجموعه ماجرا های افشین و دایی بروز

تالیف: صفیه پرماس



# به نام خدا

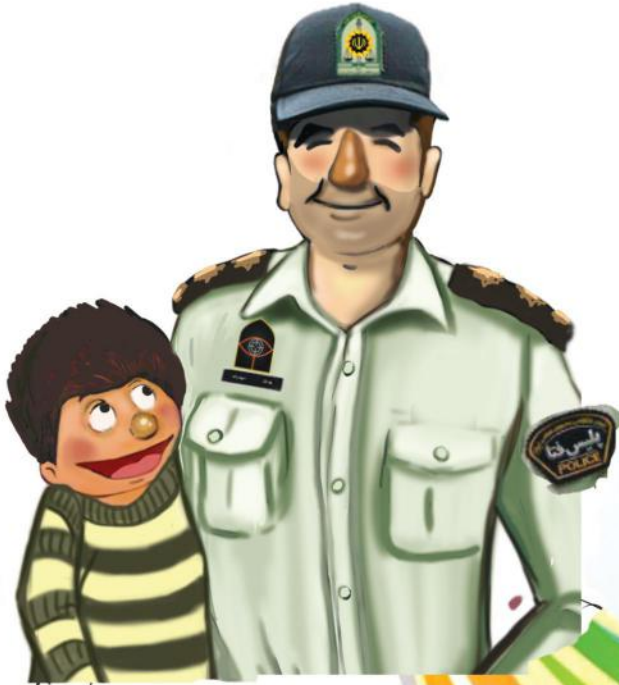


سازمان فناوری اطلاعات ایران  
معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات

این کتاب در پروژه  
”صیانت از کودکان و خانواده در اینترنت“  
به سفارش معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات  
با همکاری پلیس فتا ناجا تهیه شده است.



# بازیگوشی های افشین



مجموعه

ماجرای افشین  
و  
دایی بروز

شاخه نبات، شَهْد و شکر  
آقا و یکدونه و زَر  
خوشگل و دوست داشتتیه  
عاشقِ دانستتیه  
کنجاویاش گُل می‌کنه  
تو قوری غلغل می‌کنه

پسر داریم قند و عسل  
پسر داریم خوش برو و رو  
پسر داریم افشین آقا  
بازیگوشه یه کم ولی  
واسه همین یه وقتایی  
مثل یه آب جوش که هی



گه‌گاهی کارخراپیه  
دردسرِ حسابیه

خیلی رفیق و جور شده  
یه هدیه‌ی تولده

یه دوست خوب و مهربون  
یه هدیه‌ای از آسمون

بله دیگه شیطونیاش  
یه کارخراپی که نگو

یه دایی داره که باهاش  
خودش میگه: "دایی برام

دایی من همیشه هست  
یه هدیه از سمت خدا



چون که دایم از کوچیکی  
دایی مثال کوه بَرَام  
"دایی بروز" اسم اونه  
از علم و تازه های اون  
یه آدم امروزی که  
گوشی هوشمند دایی

همبازی و همراهه  
یه تکیه گاه محکمه  
یعنی که همراه زمان  
باخبره این دایی جان  
دورش پُر از طرفداره  
چه چیزهایی که نداره



دایی باهاش حرف نزده  
اگرچه قهر خیلی بده

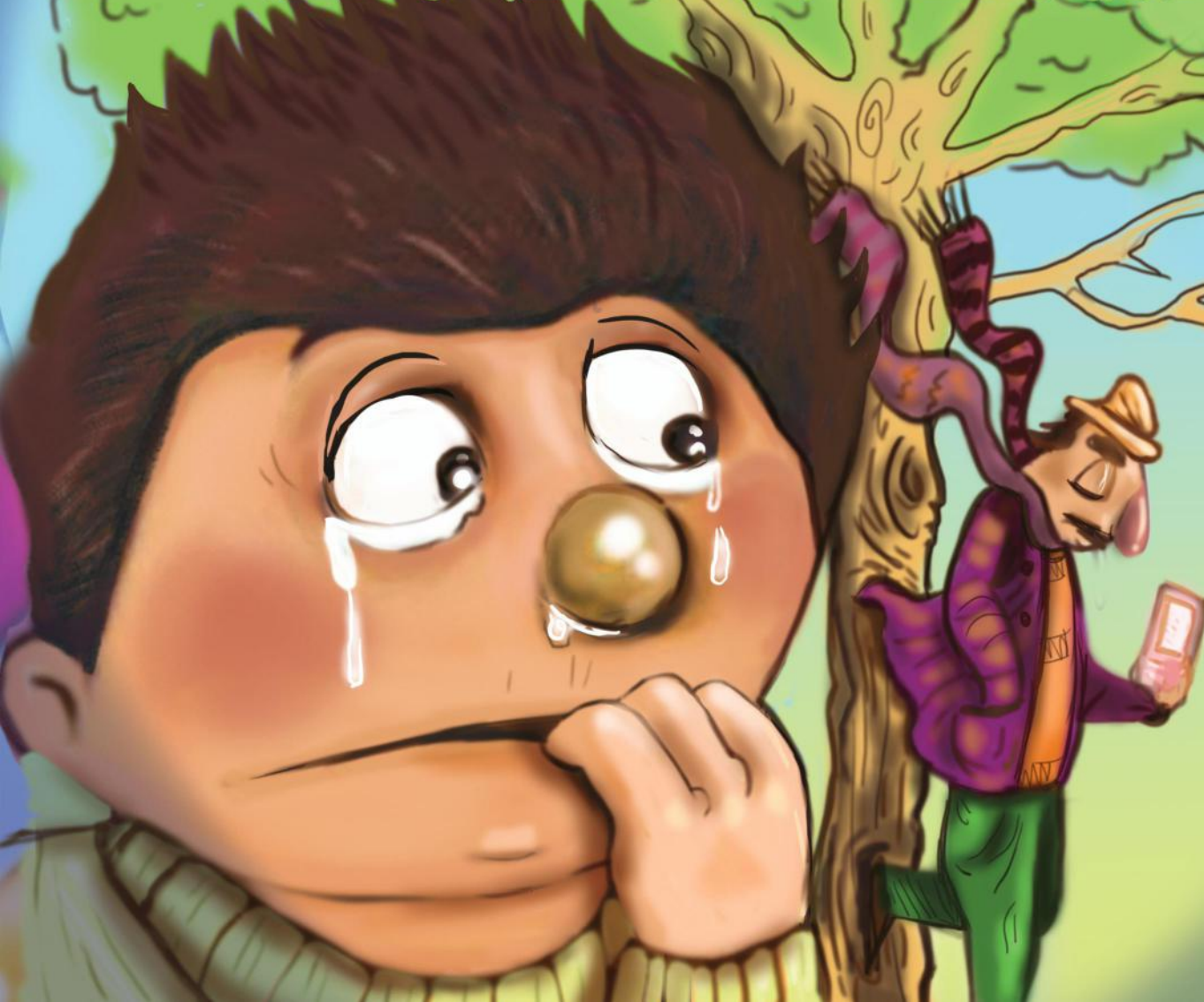
باعث دردسر شده  
خیلی نامعتبر شده

هیچکمی قبولش ندازه  
زندگیشم در خطر

اما یه چند وقتی که  
قهر شده انگاری با اون

خب، آخه افشین و کاراش  
دایی تو کار و زندگیش

نامعتبر یعنی دیگه  
کارش رو از دست داده و





چون آقا افشین بلا  
با گوشیِ داییِ بروز  
اون آخه عادت داره که  
سابقه داشته تا الان  
شماره‌های گوشی رو  
شماره‌ی دوستانی که

یه روزی از همین روزا  
سَر میزنه آزش خطا  
گوشی رو دستکاری کنه  
گاهی خرابکاری کنه  
اشتباه پاک کرده یه بار  
دایی با اونها داشته کار

بعد دیگه دایی نتونست  
دوستاشو پیدا بکنه  
یا اینکه یک بار دیگه  
لیست رو مهیا بکنه



خطای افشین یدفعه  
تایید درخواست خرید

پولهای دایی توی کارت  
چون حالا رمز افتاده بود

بارها پیامهای دایی  
بعد اون از دوست و مدیر

چون مثلا مدیر اون  
پیام داده زودی بیا

یا اینکه این کارو بکن  
زود بفرست برای ما

تایید بی اجازه بود  
تایید یک رمز ورود

دزدیده شد با این فریب  
دست یه آدم غریب

پاک میشد و اون نمی دید  
توبیخ و دعوا می شهید



افسوس از اینکه دایی جون  
گوشیش تو دستِ افشینه  
معلومه که پیامهارو  
به وقت دیگه نمیبینه

یا اینکه افشین اشتباه  
به خانمی پیام داده  
تصویر نامناسبی  
برای اون فرستاده

اینجوری آبروی دایی  
حسابی رفته چند باری  
عذرخواهی کرده گاهی با  
بهانه های تکراری



حتّی یه بار دوستِ دایی  
تنهام و هیچ دوستی به من

افشینم اشتباهی باز  
"که من ازت بدم میاد"

تا اینکه اون دوست به دایی  
میگه: "چه دوستی هستی، این

دایی مَث همیشه باز  
دوستش اونو میبخشه و

نوشته: "من حالم بده  
تو این روزا سر نزده"

داده پیام تصویری:  
بسه دیگه، کی میمیری"

با ناراحتی زنگ میزنه  
جوابِ کارهای مننه!?"

از دل اون درمیاره  
میگه که: "عیبی نداره"



آبروی دایی رفته پاک  
گذاشته بود به اشتراک

با حضورِ شخصِ دایی  
ضبط شده بود اِشتباهی

دایی هنوزم ندیده  
به گوشیِ اون رسیده

کار داده دست دایی چون  
مدیر رو انداخته بیرون

آبرو بَراش نمیمونه  
اما خودش نمیدونه

تو گروه همکاراشم  
چون افشین عکسهای بدی

فیلمهای خانوادگی  
صحبتِ محرمانه که

حتی یه فیلمی که خود  
از طرفِ یه ناشناس

همون رو بُرده تو گروه  
حتی با یک خطای دست

بله، با این کارها، دایی  
همه میگن کارِ اونه



## دفتر ریاست

تا اینکه بعد مُرخصیش  
میره دوباره سرِ کار

از کارِ افشین بی خبر  
همه از اون گلایه دار

از همه بدتر میرسه  
نامه‌ی اخراجِ دایی

خودش نمیدونه چرا  
به بار آورده رسوایی

مدیر میگه: "از این به بعد  
جاتون توی اداره نیست

با این همه خرابکاری  
متأسفیم و چاره نیست"



گوشیشو چک کرده، دیده  
تا به الان نفهمیده  
پیش خودش نمیاره  
اگرچه دوستشم داره  
قول میده تکرار نکنه  
بی اجازه کار نکنه  
اگر واسه بزرگتر است  
این کارا خیلی اشتباست

حالا از اون موقع دایی  
وای! چه خبرها شده و  
واسه این، افشین رو دیگه  
بیکاره و ناراحته  
تا اینکه افشین دایی  
با گوشی دایی جونش  
اون دیگه فهمیده گوشی  
اون نباید دست بزنه



# به نام خدا



حتی می‌گه دوستان من  
باید که مطلع بشن

به گوشی بزرگترا  
هیچ موقعی دست نزنن

واسه همین از این به بعد  
افشین و دایی همکارن

تا مردمو در مورد  
اینها تو جریان بذارن

میرن تو جمع بچه‌ها  
با قصه‌های پندآموز

نمایشای با نمک  
از "افشین و دایی بروز"





با اونها همكاري داره  
مثل يه آموزگار  
خوب فضاي مجازي رو  
مشكل و هر نيازى رو

پليس فتاي مهربون  
اونهارو يارى ميده و  
معلمي كه ميشناسه  
ميترونه برطرف كنه

با افشين و دايمي بروز  
هميشه همراه بمونيد  
پليس فتا رو تا ابد  
دوست خودتون بدونيد





فناوران توسعه امن ناجي  
Naji Secure Development  
Technologist co